

دیوان داوری دعاوی ایران - امریکا

مظهر بر خورد دو تمدن در عرصه حقوقی

«در حقوق بین‌الملل تنها دوستی و صلح ترجمان رابطه

نیست، مخاصمه نیز رابطه بشمار می‌رود».

رنه ژان دوپوی

استاد فقید دانشگاه سربین و کولژ فرانسه

دکتر ناصرعلی منصوریان *

چکیده:

دیوان داوری دعاوی ایران - امریکا یک مرجع داوری بین‌المللی موردی است که به دنبال بحران «گروگانگیری در سفارت امریکا» و میانجی‌گری دولت الجزایر با امضای بیانیه‌های الجزایر (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) به سال ۱۳۶۰ در لاهه تشکیل شده است. دیوان مرکب از نه داور (سه ایرانی - سه امریکایی - سه داور کشور ثالث) است که طبق قواعد داوری آنسیترال اختلافات مالی و حقوقی بین دولتین ایران و ایالات متحده را در زمینه‌های مصادره، اخراج، مطالبه دیون ناشی از قرارداد یا خرید و فروش کالا و خدمات حل و فصل می‌کند. حسب ترتیبات بیانیه‌ها دیوان داوری دارای صلاحیت‌های خاص موضوعی و شخصی است. اما صلاحیت رسیدگی به ادعاهای مربوط به حوادث ناشی از انقلاب اسلامی و مسأله «گروگان‌گیری» و همچنین اختلافات قراردادی که در موردشان انحصاراً صلاحیت دادگاههای ایران پیش‌بینی شده است را ندارد. رویه قضایی بیست‌ویکساله آن منبعی غنی در حقوق بین‌الملل بشمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: ۱- داوری بین‌المللی ۲- مصادره ۳- اخراج ۴- تفسیر معاهدات ۵- قراردادهای سرمایه‌گذاری

مقدمه

یکی از روشهای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی داوری است. داوری یا براساس یک موافقت‌نامه برای فیصله اختلافات فیما بین دولتها سابقاً پیش‌بینی شده، و یا برای حل یک بحران یا جلوگیری از وقوع جنگ لاحقاً مورد تراضی قرار می‌گیرد.

در نوع اول، طرفهای قرارداد یا موافقت‌نامه ضمن آن و بعنوان «شرط داوری»^۱ قید می‌کنند که اختلافات را نزد مرجع داوری معینی اقامه کنند. نمونه آن کنوانسیون واشنگتن مصوب سال ۱۹۶۵ میلادی است که مبنای تشکیل «مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذارها» شده است.^۲ در نوع دوم، پس از بروز اختلافات، طرفها «توافق»^۳ میکنند که اختلافاتشان توسط یک یا چند داور رسیدگی شود یا مرجعی در این خصوص بوجود آید.

مراجع داوری خود دو گونه هستند: دائمی یا موردی.^۴ مرجع دائمی مانند دیوان دائمی داوری^۵ که پس از کنفرانس‌های صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، در محل کاخ صلح تشکیل شده و پایه‌گذار دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی (پس از جنگ اول جهانی) و سپس دیوان بین‌المللی دادگستری (پس از جنگ دوم جهانی) محسوب می‌شود.^۶ مراجع موردی بطور موقت و برای رسیدگی به اختلافات معینی تشکیل می‌شوند. کمیسیون‌های مختلط پس از جنگ اول جهانی از این نوع بوده‌اند. دیوان داوری

1- Arbitral Clause.

۲- در مورد این «مرکز» (Icsid) رک: اندیشه‌هایی در خصوص عهد نامه حل فصل اختلافات، بلاکا زی. وینانی، ترجمه نگارنده، در مجله حقوقی، شماره دوازدهم، بهار - تابستان ۱۳۶۹، صفحات ۶۶ - ۲۹.

3- Compromis

4- ad hoc

5- Permanent Court of Arbitration (PCA).

عذر خصوص دیوان دائمی داوری از جمله رک:

J.G. Merrills. *The Contribution of the PCA to INTERNATIONAL Law and the Settlement of Dispute by Peaceful Means, in the Permanent Court of Arbitration, and Dispute Resolution*, Ed. By P. Hamilton and others, Kluwer Law International, 1999.

راجع به دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله رک: صلاحیت توافقی دیوان بین‌المللی دادگستری و موقعیت حقوقی ایران، تحقیق نگارنده، بخش تحقیقات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران - لاهه، ۱۳۶۶، ۱۴۰ صفحه.

دعاوی ایران - ایالات متحده (که از این پس دیوان داوری خوانده خواهد شد) یک مرجع داوری موردی است که پس از انقلاب اسلامی بدنبال بحران روابط ایران و آمریکا و براساس توافق لاحق به منظور حل اختلافات حقوقی و مالی دو دولت در لاهه تشکیل شد. برای مطالعه دیوان، ابتدا باید داده‌های تاریخی - حقوقی را مرور کنیم.

شورای انقلاب اسلامی در خرداد ماه ۱۳۵۸ قانون ملی شدن بانک‌ها و در آبان ماه همان سال قانون ملی شدن صنعت بیمه و موسسات اعتباری را تصویب نمود. در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹) دانشجویان مسلمان پیرو خط امام سفارت آمریکا را در تهران تصرف کردند و کارکنان آنرا «گروگان» گرفتند. این اقدام مورد حمایت رهبر راحل انقلاب امام خمینی (ره) و مردم ایران قرار گرفت. دانشجویان خواستار شدند دولت آمریکا شاه را برای محاکمه به ایران تحویل دهد. دولت ایالات متحده بلافاصله واکنش نشان داد و در تاریخ ۱۸ آبان ماه به شورای امنیت شکایت برد و خواستار محکومیت دولت ایران طبق ماده ۹۹ منشور ملل متحد شد. شورا به موجب قطعنامه‌ای به شماره ۴۵۷ مورخ ۴ دسامبر ۱۹۷۹ به اتفاق آراء ایران را موظف دانست گروگانها را آزاد کند.

دولت آمریکا در روز ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ ورود صادرات نفتی ایران را به خاک آمریکا ممنوع اعلام کرد و روز بعد جیمی کارتر به موجب یک دستور اجرایی کلیه اموال و دارائیهای ایران را در داخل خاک آمریکا و نیز نزد شعب بانک‌های امریکایی در خارج مسدود و توقیف نمود. در تاریخ ۸ آذرماه ۱۳۵۸ (۹ دسامبر ۱۹۷۹) دولت آمریکا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری علیه ایران اقامه دعوی کرد و ضمن تقاضای صدور قرار تدابیر احتیاطی، محکومیت ایران را براساس کنوانسیون‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین ناظر بر مصونیت سیاسی کارکنان دیپلماتیک و کنسولی و نیز بموجب عهدنامه مودت بین دو کشور منعقد در سال ۱۹۵۵ خواستار شد.

دیوان با صدور قرار تدابیر احتیاطی آزادی هرچه سریعتر «گروگانها» را از دولت ایران خواست و طرفین را به انجام مذاکره و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف توصیه نمود. سپس در تاریخ ۲۴ مه ۱۹۸۰ رأی نهایی خود را صادر کرده و مسؤولیت بین‌المللی ایران را به علت ترک فعل و عدم احترام به اصول روابط دیپلماتیک و

کنسولی که ترتیبات کنوانسیونهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین پیش‌بینی نموده‌اند احراز و اعلام کرد.^۱

به غیر از آن، جیمی کارتر قصد داشت در ۲۴ آوریل ۱۹۸۰ (۴ فروردین ۱۳۵۹) با یورش نظامی «گروگانها» را آزاد سازد لیکن اقدام او به تلفات مادی و انسانی در کویر طبس منجر گردید. مرگ شاه سابق در مرداد ماه سال ۱۳۵۹ باعث شد که خواسته دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ره) در مورد استرداد شاه موضوعیت خود را از دست دهد. به فاصله کمی پس از آن یعنی در ۳۱ شهریور ماه همان سال عراق جنگ علیه ایران را آغاز کرد.^۲

امام خمینی (ره) طی پیامی اتخاذ تصمیم راجع به حل بحران «گروگانگیری» را به عهده مجلس شورای اسلامی تازه تاسیس گذاردند. متعاقباً مجلس شورای اسلامی حل بحران را مستلزم تحقق چهار شرط زیر دانست:

۱. تعهد ایالات متحده به عدم مداخله در امور ایران
۲. رفع انسداد از اموال و دارائیهای ایران در آمریکا یا در مؤسسات امریکایی خارج از خاک ایران
۳. رفع تحریم‌های اقتصادی و مالی ایران و ختم دعاوی خواهانهایی آمریکائی علیه ایران در دادگاههای ایالات متحده
۴. استرداد اموال شاه و بستگانش^۳

۱ - برای مطالعه قرار دیوان و رای نهایی آن رک:

CIJ, Recueil d' Arrêts, 1979. P.7- Recueil d' Arrêts, 1989 (Arrêt du 24 mai 1980), PP.33 et s.

۲ - برای آگاهی بیشتر از بحران رولبط ایران - آمریکا و همچنین حادثه تصرف سفارت امریکا و تلمات سیاسی آن مقالات و کتابهای فرلوائی انتشار یافته است. از جمله رک:

- معصومه ابتکار، تسخیر، مترجم ویراستار لبتهاج شیرازی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۹.

- امیررضا ستوده، حمید کابوائی بحران ۲۲۲ روزه در تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۷۹.

- پیرسالینجر، گروگانگیری در ایران و مذاکرات محرمانه تهران، موسسه انتشارات نوین، تهران، ۱۳۶۲.

- یوناه الکساندر و آنت نلز، تاریخ مستند رولبط دو جانبه ایران و ایالات متحده امریکا، ترجمه دکتر سعیده لطفیان و احمد صادقی، نشر قوس، ۱۳۷۸، صفحات ۷۲۵ - ۶۷۱

۳ - رک: مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه ۶۲ دوره اول، آبانماه ۱۳۵۹.

پیرو این تصمیم‌گیری در تاریخ ۲۴ دیماه ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی «ماده واحده لایحه قانونی راجع به حل و فصل اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت امریکا» را با حضور شورای نگهبان به تصویب رساند. به موجب ماده واحده مزبور «به دولت اجازه داده [شد] که در مورد اختلافات مالی و حقوقی فی‌مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت امریکا که ناشی از انقلاب اسلامی ایران و تصرف مرکز توطئه امریکا نباشد، با توجه به مفاد مصوبه مجلس شورای اسلامی از طریق داوری مرضی الطرفین اقدام و اختلافات مذکور را حل و فصل نماید». دولت الجزایر که از زمان شروع بحران کوشیده بود با مذاکرات سیاسی مسائل فی‌مابین دولتین ایران و امریکا حل و فصل شوند و «گروگانها» آزاد گردند، و در این چهارچوب از اوایل سال ۱۳۵۹ حافظ منافع ایران در واشنگتن شده بود، اقداماتی مبنی بر میانجی‌گری، بین دو دولت انجام داد و موفق شد سه سند بین‌المللی تحت عنوان: «بیانیه‌های الجزایر» را در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) به امضای دو کشور برساند. این اسناد عبارتند از:

۱. بیانیه کلی که در بردارنده تعهدات و توافقات بنیادین طرفین در مقابل یکدیگر بوده و مشتمل بر ۱۷ بند است.

۲. بیانیه حل و فصل دعاوی که شامل ۸ ماده در واقع «توافق نامه داوری» برای رسیدگی حقوقی اختلافات و اجرای احکام صادره دیوان داوری دعاوی ایران - امریکا در لاهه می‌باشند.

۳. سند تعهدات که روشهای اجرایی بعضی توافق‌های مالی طرفین را مشخص می‌کند.

با امضای بیانیه‌ها و بموجب آن، بلافاصله ۵۲ «گروگان» امریکایی آزاد شدند و دعاوی اتباع امریکایی علیه ایران در دادگاههای امریکا مختومه اعلام گردید و از دارائیه‌ها و اموال ایران در ایالات متحده بشرح زیر رفع انسداد شد:

۱- برای ملاحظه این لایحه و دیگر مدارک مربوط به حل اختلافات فی‌مابین ایران و امریکا و همچنین اسناد بیانیه‌های الجزایر رک: دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر و موافقت‌نامه‌های فنی (به دو زبان انگلیسی و فارسی) تهران، ۱۳۶۱، ۸۱ صفحه. همچنین رک: مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱ تا ۳.

۱. هشت میلیارد دلار دارائیهای ایران از بانک فدرال رزرو نیویورک به نام بانک مرکزی الجزایر، به بانک انگلستان حواله داده شد. از این مبلغ سه میلیارد و ۶۶۷ میلیون دلار برای تسویه بدهی‌های بانکهای ایران ناشی از وام‌های سندیکائی از بانک‌های امریکائی در بانک فدرال رزرو ماند. همچنین یک میلیارد و ۴۱۸ میلیون دلار برای تسویه بدهی‌های سیستم بانکی ایران به بانکهای امریکایی پیش‌بینی گردید.
 ۲. مبلغ دو میلیارد و ۸۷ میلیون دلار به بانک مرکزی ایران حواله شد.
 ۳. شش ماه پس از امضای بیانیه‌های الجزایر مبلغ دو میلیارد و ۵۲ میلیون دلار از بانک‌های امریکایی به ایران پرداخت شد و مقرر گردید از این مبلغ، معادل یک میلیارد دلار به نام بانک مرکزی الجزایر در یک «حساب تضمینی» بهره‌دار واریز شود تا تأدیه محکوم به احکامی را که به نفع خواهانهای امریکایی صادر می‌شود، تامین و تضمین نماید. ایران متعهد شد هیچ وقت ذخیره این حساب از پانصد میلیون دلار پائین‌تر نیاید.
- امضای بیانیه‌ها و آثار فوری آن، یعنی «آزادی گروگانها» و استرداد اموال و دارائیهای ایران موجب گردید که بحران سیاسی خاتمه پذیرد و حل و فصل اختلافات حقوقی و مالی فیمابین دو کشور به «دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده» واگذار شود.^۱
- اولین جلسه دیوان در اول ژوئیه ۱۹۸۱ (۱۰ تیرماه ۱۳۶۰) در کاخ صلح لاهه تشکیل شد. در همان جلسه رئیس دیوان آقای لاگرگرن، حقوقدان برجسته سوئدی برگزیده و تصمیم گرفته شد تمامی اسناد و مدارک و لوایح رسیدگی، و مدافعات در جلسات، با داشتن ارزش حقوقی مساوی، به دو زبان انگلیسی و فارسی انجام شود.

۱ - رک به دو مقاله زیر منتشره در فصلنامه گفتگو، بهار ۷۹ - شماره ۲۷، صفحات ۱۲۷ - ۸۷.

- ایران و امریکا: سیاستی که تبیین شده، نوشته مراد تقی

- نگاهی به برخی جنبه‌های حقوقی روابط ایران و امریکا، نوشته حمیدرضا ملک نوری.

حسب ترتیبات بیانیه‌ها مقرر شده بود که از تاریخ امضای آنها ظرف مدت یکسال دعاوی اتباع امریکائی علیه ایران و دعاوی اتباع ایرانی علیه ایالات متحده در دیوان به ثبت رسد. در این مدت قریب چهار هزار دعوی در دیوان ثبت گردید. برای مطالعه دیوان و عملکرد حقوقی آن می‌کوشیم مطالب را زیر عناوین سه‌گانه زیر خلاصه نمائیم:

- الف - ساختار دیوان داوری و نحوه عمل آن
- ب - صلاحیت‌ها و ماهیت حقوقی دیوان داوری
- ج - کارنامه قضایی و رویه دیوان داوری

الف) ساختار دیوان داوری و نحوه عمل آن

دیوان داوری دارای نه داور است: سه داور ایرانی، سه داور امریکائی و سه داور کشور ثالث که «داوران بیطرف» نیز نامیده می‌شوند. در دیوان سه شعبه تشکیل شده است. هر شعبه مرکب از سه داور است: یک داور ایرانی، یک داور امریکائی و یک داور کشور ثالث. داور کشور ثالث رئیس شعبه است.

اتخاذ تصمیم مهتبی بر آراء اکثریت در هر شعبه است. علاوه بر سه شعبه، هیئت عمومی دیوان^۱ مرکب از نه داور به دعاوی مربوط به تفسیر و اجرای بیانیه‌ها رسیدگی می‌کند. در این هیئت نیز رأی اکثریت سنج است. دعاوی تفسیری مشمول مهلت زمانی یکسال نیستند، و هرکدام از دولتین می‌توانند در صورتیکه ادعایی راجع به تفسیر یا تخلف از اجرای بیانیه‌ها داشته باشد، نزد دیوان علیه دولت دیگر اقامه دعوی نمایند. تاکنون ۳۳ پرونده تفسیری یا ناظر بر اجرای بیانیه‌ها در دیوان مطرح گردیده‌اند که موسوم به «پرونده‌های الف» می‌باشند. غیر از این دسته «پرونده‌های ب» نیز وجود دارند که موضوع آنها «ادعاهای رسمی ایالات متحده و ایران علیه یکدیگر ناشی از قراردادهای فیما بین در خصوص خرید و فروش اجناس و خدمات» می‌باشند. (بند ۲ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی).

دیگر پرونده‌های دیوان به دو دسته: «دعاوی بزرگ» و «دعاوی کوچک» تقسیم می‌شوند. منظور از دعاوی بزرگ دعایی هستند که خواسته‌شان بیش از ۲۵۰/۰۰۰ دلار آمریکا بوده، در حالیکه خواسته دعاوی کوچک کمتر از ۲۵۰۰۰۰ دلار می‌باشد. داوران، هر کدام یک یا دو دستیار دارند. علاوه بر آنها، دیوان داوری دارای یک دبیر کل و یک معاون دبیر کل و نیز یک مقام ناصب است. مقام ناصب کسی است که به موجب ترتیبات بیانیه‌ها، چنانچه داوران دو کشور در انتخاب داور یا داوران کشور ثالث و همچنین تعیین رئیس دیوان به توافق نرسند، حق دارد بطور یک جانبه راساً در این خصوص تصمیم‌گیری کند. پس از استعفای آقای مونز (هلندی) از چهارسال پیش آقای جنینگز (انگلیسی) قاضی سابق دیوان بین‌المللی دادگستری و آقای گیوم (فرانسوی) رئیس فعلی دیوان بین‌المللی دادگستری متفقاً ((مقام ناصب)) دیوان محسوب می‌شوند.

بودجه دیوان را دولتین ایران، ایالات متحده بطور مساوی می‌پردازند و موظفند بودجه مربوطه را بصورت سه ماهه پرداخت نمایند.

آئین رسیدگی دیوان مبتنی بر قواعد «کمسیون سازمان ملل متحد مربوط به حقوق تجارت بین‌الملل» (آنسیترال) مصوب سال ۱۹۷۶ و مشتمل بر ۴۱ ماده می‌باشد.

قواعد مزبور بمدت نزدیک دو سال مورد بررسی و اصلاح توسط داوران قرار گرفته و با تغییرات ضروری^۱ تصویب شده و برای دیوان لازم‌الرعاية است. تبادل لوایح در چهار مرحله صورت می‌گیرد: دادخواست، لایحه دفاعی، لایحه جوابیه و لایحه معارض. پس از اتمام تبادل لوایح، دیوان جلسه استماع^۲ تعیین می‌کند که تعداد روزهای آن به تناسب حجم کمی و جنبه‌های کیفی پرونده متغیر است. با پایان یافتن جلسات استماع، شعبه دیوان یا هیئت عمومی (در خصوص دعاوی تفسیری یا ناظر بر اجرای بیانیه‌ها) طی جلسات متعدد به شور^۳ می‌نشینند، و

1- Mutadis Mutandis

2- Hearing

3- Deliberation

«رای داورى»^۱ را براساس نظر اکثریت صادر می‌نماید. هریک از داوران اعم از داوران منصوب دو دولت و داوران ثالث حق دارد نظر «موافق» یا «مخالف» و یا «جداگانه»^۲ اش را نسبت به رأی همزمان با صدور رأی یا متعاقباً در دیوان به ثبت رساند. رأی صادره دیوان داورى «قطعی و لازم‌الاجراء» بوده و علیه دولت محکوم علیه «در دادگاههای هر کشوری طبق قوانین آن کشور قابل اجراء خواهد بود» (بندهای ۱ و ۳ ماده ۴ بیانیه حل و فصل دعاوی).

تقسیم‌بندی و نامگذاری آراء به گونه زیر است:

۱. «تصمیم»^۲ به رایى گفته می‌شود که هیئت عمومی در دعاوی تفسیری و یا مربوط به اجرای بیانیه‌ها صادر می‌نماید.
۲. «دستور»^۳ها، تصمیمات شعب و یا هیئت عمومی در امور مقدماتی و جنبی رسیدگی از قبیل مهلت ثبت و تمدید آن، تعیین جلسات استماع و ارجاع به کارشناسی یا استماع شهادت، می‌باشند. البته در صورت استرداد دعوی نیز، دیوان بموجب «دستور» پرونده را مختومه می‌کند.
۳. «قرارها»، در امور مقدماتی (اعدادی)، موقت، یا توأمأ اعدادی و موقت صادر می‌شوند لذا، خود به سه قسم «قرار اعدادی»^۴، «قرار موقت»^۵ و «قرار اعدادی و موقت»^۶، قابل تقسیم هستند.
۴. «احکام»^۷ آراء شعب در خصوص دعاوی مطروحه است. در احکام، چهار نوع از یکدیگر متمایزند:
- احکام (بطور مطلق)

- احکام جزئی^۱

۱ - «رای داورى» همانست که در زبان انگلیسی (Arbitral Award) • در زبان فرانسوی (Sentence Arbitrale) گفته می‌شود.

2- Decision

3- ORDER

4- Interlocutory

5- Interim Award

6- Combined Interim and Interlocutory Award

7- Awards

- احکام نهائی^۲- احکام مہنتی بر شرایط مرضی الطرفین^۳- احکام جزئی مہنتی بر شرایط مرضی الطرفین^۴

حسب ترتیبات بیانہہا دولتہای ایران و امریکا و اتباع اعم از، اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی می‌توانند خواهان قرار گیرند. در حالیکہ، فقط دولتین طرف معاہدہ (بیانہہا) می‌توانند خواندہ واقع شوند. دولت جمہوری اسلامی ایران در همان شروع کار دیوان در ارتباط با ترتیبات بند ۱ مادہ ۲ بیانہہ حل و فصل دعاوی دعوائی تفسیری علیہ ایالات متحدہ امریکا مطرح کرد (دعوی الف ۲). ایران استدلال کرد کہ برخلاف سیاق ظاہری عبارات بند مزبور جمہوری اسلامی ایران و واحدهای تابعہ باید حق داشتہ باشند علیہ اتباع امریکائی در دیوان اقامہ دعوی کنند. بموجب بند ۱ مادہ ۲ بیانہہ حل و فصل دعاوی: «بدینوسیلہ یک دیوان داوری بین‌المللی (دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ) تشکیل شدہ و تا بہ ادعای اتباع ایالات متحدہ علیہ ایران و ادعای اتباع ایران علیہ ایالات متحدہ و دعاوی متقابل ناشی از آنہا رسیدگی کند...» دیوان استدلال ایران را نپذیرفت و وی را صرفاً محقق اقامہ دعاوی متقابل دانست.^۵ اکنون باید دید دیوان چگونه در برابر ادعای خواهانہا اعمال صلاحیت می‌کند.

1- Partial Awards

2- Final Awards

3- Awards on Agreed Terms

4- Partial Awards on Agreed Terms

۵- در این پروندہ و تمامی پروندہهای مورد استناد، رک: گزارہ فارسی دیوان داوری دعاوی ایران - امریکا کہ توسط دفتر خدمات حقوق بین‌المللی (ریاست جمہوری) تنظیم و تکثیر شدہ است. گزارہهای مربوطہ را بہ زبان انگلیسی تا کنون بہ تعداد ۳۳ جلد انتشارات گروسوس انگلستان چاپ کردہ است. راجع بہ دعاوی الف ۲ رک: گزارہ فارسی، جلد اول، صفحات ۱۶۶ - ۱۵۴. نشانی سایت اینترنتی دیوان عبارت است از: www.ihscl.org.

ب) صلاحیت‌ها و ماهیت حقوقی دیوان داوری

برای آگاهی از ماهیت حقوقی دیوان ناگزیریم ابتدائاً صلاحیت‌های آنرا بشناسیم. همچون هر مرجع حقوقی، دیوان داوری دارای دو نوع صلاحیت است: موضوعی^۱ و شخصی^۲

اول - صلاحیت‌های موضوعی

ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعوی موضوعات متشاء ادعاها را که در صلاحیت دیوان است معین نموده است:

۱. ادعاها باید در تاریخ امضای بیانیه‌ها یا برجا بوده باشند تا در صلاحیت دیوان قرار گیرند. دعاوی باید «ناشی از دیون، قرار دادها، ضبط اموال و یا هر اقدام دیگری که موثر در حقوق مالکیت باشد» بوده باشند.

ضمناً طبق بند ۲ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی:

«ادعاهای اتباع ایران و یا ایالات متحده بر حسب مورد عبارت است از ادعاهایی است که از تاریخ بوجود آمدن ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه مستمراً در اختیار اتباع آن کشور بوده‌اند، شامل ادعاهایی که بطور غیر مستقیم از طریق مالکیت سرمایه و یا سایر علائق مالی (در مورد اشخاص حقوقی) در مالکیت این اشخاص بوده‌اند، مشروط بر اینکه منافع مالکیت چنین اتباعی، مجتمعاً در زمان اقامه دعوی برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن مشروط بر اینکه شرکت و یا شخص حقوقی، خود در چهارچوب این بیانیه حق اقامه دعوی نداشته باشد».

در ذیل این بند تاکید شده است:

«ادعاهائی که به دیوان داوری ارجاع می‌شود از تاریخ طرح دعوی نزد دیوان، خارج از صلاحیت قضایی دادگاههای ایران و ایالات متحده یا هر دادگاه دیگر خواهد بود».

۲. دعاوی مطروحه بین دولتین متعاهد که ناشی از قراردادهای خرید و فروش کالا و خدمات باشند (بند ۲ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی)

1- Ratione Materiae

2- Ratione Personae

۳. دعاوى مطروحه ناشى از اختلافات تفسیرى یا در ارتباط با اجرای بیانیه‌ها (بند ۳ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوى - بند ۱۷ بیانیه کلی)

دوم - صلاحیت‌های شخصی

به موجب بند ۱ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوى، دیوان صرفاً در خصوص اتباع امریکایی علیه ایران و اتباع ایرانی علیه امریکا صلاحیت رسیدگی دارد. این اتباع می‌توانند اشخاص حقیقی و یا اشخاص حقوقی باشند. در ارتباط با صلاحیت‌های دیوان، مساله تابعیت مضاعف جایگاه خاص و بحث انگیزی داشته، منشاء چالش حقوقی در درون دیوان شده و بازتاب سیاسى حقوقی گسترده‌ای در عرصه داخلی و بین‌المللی پیدا نموده است. چه، تعداد ۱۲۵ پرونده از دعاوى بزرگ پرونده‌هائی هستند که خواهان‌ها دارنده تابعیت مضاعف (ایرانی - امریکایی) بوده اند.

طبق بند ۱ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوى:

«تبعه ایران و یا ایالات متحده بدین معنی است:

الف) شخص حقیقی که شهروند ایران و یا ایالات متحده می‌باشد.

ب) شرکت و یا شخص حقوقی دیگری که طبق قوانین ایران یا ایالات متحده و یا هریک از ایالات و نواحی آن، ناحیه کلمبیا و یا مشترک‌المنافع پروتوریکو تشکیل یافته باشد، مشروط براینکه اشخاص حقیقی تبعه آن کشور مجتمعاً به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در چنین شرکت یا شخصیت حقوقی سهمی معادل ۵۰ درصد و یا بیشتر از سرمایه آن را داشته باشند».

شعبه دوم دیوان در سال ۱۳۶۲ در خصوص دو تن از خواهان‌ها؛ اصفهانیان و گلپیرا بند مزبور را اعمال کرده و به نفع آن دو که دارای تابعیت اصلی ایرانی بوده و لاحقاً تابعیت امریکائی کسب نموده بودند، در پذیرش صلاحیت حکم صادر کرد. این احکام موجب شد دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن تقاضای توقیف موقت رسیدگی به این گونه پرونده‌ها، دعاوی برای تفسیر بند ۱ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوى نزد

دیوان اقامه کند که تحت شماره الف ۱۸ نزد هیئت عمومی دیوان گشوده شد. تبادل لوابیح دو دولت ماهها طول کشید، تا سرانجام دیوان «تصمیم» خود را در تفسیر ماده مزبور به تاریخ ۶ آوریل ۱۹۸۴ (۱۷ فروردین ۱۳۶۳) صادر کرد. این تصمیم بازتاب گسترده‌ای پیدا نموده و مورد اعتراض شدید سیاسی دولت وقت ایران قرار گرفت.^۱

موضعگیری حقوقی ایران در پرونده، الف ۱۸ بر این پایه بوده که طبق بند ۱ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی، دیوان تنها در صورتی صلاحیت رسیدگی به اینگونه ادعاها را دارد که خواهان صرفاً امریکایی باشد. حال آنکه، دولت ایالات متحده، در مقام خواننده دعاوی تفسیری الف ۱۸ چنین استدلال نمود که اثبات تابعیت امریکایی خواهان به تنهایی موجب احراز صلاحیت دیوان می‌گردد و وجود تابعیت دیگر خواهان (ایرانی یا غیره) هیچگونه نقشی در این خصوص نمی‌تواند داشته باشد.

دیوان اعلام داشت: «هیچکدام از این استدلال‌ها را نمی‌توان پذیرفت». و سپس با گذر از رویه قضایی بین‌المللی در خصوص تابعیت مضاعف از جمله دو دعاوی معروف نوته بوهم و خانم مرزه^۲ و همچنین تکیه بر نوشتارهای حقوقدانان بین‌المللی نهایتاً نتیجه‌گیری کرد که: «نظر دیوان این است که صلاحیت رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف (دارای تابعیت ایران و ایالات متحده) علیه ایران را در مواردی دارد که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربط (از تاریخ ایجاد ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ - ۲۹ دیمه ۱۳۵۹) تابعیت ایالات متحده بوده باشد.» بر این اساس، «دیوان در تعیین تابعیت غالب و موثر، کتبه عوامل ذیربط و از جمله محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی را در نظر خواهد گرفت».^۳ مطلب قابل توجه، قیدی است که دیوان در انتهای تصمیم خود به عنوان «اخطار مهم» افزود: «در پرونده‌هایی که دیوان براساس تابعیت غالب و موثر

۱ - آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر، اعلامیه‌ای در اعتراض به موضع‌گیری حقوقی دیوان داد و اعلام نمود که از نظر دولت جمهوری اسلامی ایران این گونه تصمیم‌گیری دیوان «متخالف» با اصل حاکمیت ملی و «تساوی دولتها» می‌باشد. رک. روزنامه کیهان، شماره ۱۲۱۲۱، ۵ اردیبهشت/۱۳۶۳.

۲ - در خصوص دو دعاوی نوته بوهم (NOTTEBOHM) و خانم مرزه (MERGE) رک: دکتر رضا فیوضی، حقوق بین‌الملل، مسؤلیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، صفحات ۲۲۲ - ۲۸۵

۳ - رک. گزاره فارسی، جلد ۵ صفحه ۴۳۱ (IRAN-USCTR, 5, P. 265)

خواهان به صلاحیت خود رای می‌دهد، تابعیت دیگر خواهان می‌تواند از لحاظ ماهیت دعوی همچنان ذیربط و معتبر بماند^۱ به این ترتیب، خواهانی که براساس تابعیت ایرانی صاحب اموالی شده است که استملاک آن در انحصار اتباع ایرانی است و یا در تحصیل اموال مربوطه با پنهان کردن تابعیت اکتسابی، مرتکب تقلب و خدعه گردیده نمی‌تواند به استناد تابعیت آمریکائی خویش غرامت مربوط به چنان اموالی را مطالبه کند. همچنین بموجب «اخطار مهم» مندرج در تصمیم دیوان، خواهانهای امریکائی که دارای تابعیت اصلی ایرانی بوده‌اند حق ندارند بعنوان مثال در خصوص مصادره پنجاه درصد سهام بانکی که در آن اتباع بیگانه در ایران فقط حق مالکیت بر ۳۰ درصد سهام آن را داشته‌اند نزد دیوان ادعای خسارت کنند.^۲

نتیجه‌گیریهای دیوان در اعمال صلاحیت شخصی بر دعاوی تابعیت مضاعف نمایانگر تحولی در حقوق بین‌الملل تابعیت محسوب می‌گردد. باید توجه داشت که ترتیبات بیانیه‌ها بر صلاحیت‌های موضوعی و شخصی دیوان استثنائاتی نیز وارد کرده است.

سوم - استثنائات صلاحیتی دیوان

طبق بیانیه‌ها در موارد زیر صلاحیت موضوعی دیوان استثنائاً نفی شده‌اند:

۱. دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی که به دعاوی مطروحه ایالات متحده نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مرتبط گردد، ندارد. چرا که با امضای بیانیه‌ها در واقع آن کشور از تعقیب دعاوی مزبور اعلام انصراف نموده است (صدر بند ۱۱ بیانیه کلی).
۲. ادعاهای مربوط به صدمات وارده به اتباع امریکائی یا اموال آنها که از جنبش‌های مردمی و در جریان انقلاب اسلامی ایران حاصل شده باشد، چون ناشی از عمل دولت ایران نبوده، و همچنین ادعاهای ناشی از حوادث مربوط به «گروگانگیری ۵۲ نفر اتباع امریکایی» و «خسارت وارده به اموال

۱ - رک. گزاره فارسی، جلد ۵ صفحات ۲۴۰ - ۲۰۹

۲ - برای مطالعه نظر موافق ویلیام ریپهاخن دلور هلندی و نظر مخالف دلوران ایرانی رک:

ایالات متحده یا اموال اتباع ایالات متحده در داخل محوطه سفارت امریکا در تهران بعد از ۱۳ آبان ۱۳۵۸» از صلاحیت دیوان خارج هستند (بند ۱۱ - الف، ب، ج بیانیه کلی). حتی ذیل بند ۱۱ بیانیه کلی تصریح شده است: «ایالات متحده همچنین مانع از اقامه دعوا علیه ایران در دادگاههای امریکا توسط اشخاص غیر امریکایی درباره ادعاهای حال و یا آینده ناشی از حوادث ذکر شده در این بند خواهد گردید». در واقع، در چهارچوب تعهد اخیر ایالات متحده بود که اخیراً یکی از قضات فدرال امریکا، آقای امت سالیوان دعوای «۵۲ گروگان سفارت ایالات متحده در تهران» علیه جمهوری اسلامی ایران را رد کرد.^۱

۳. چنانچه در قراردادهای تعهدآور پیش‌بینی شده باشد که رسیدگی به ادعاهای حاصله در صلاحیت انحصاری دادگاههای صالحه ایران می‌باشند، مشمول صلاحیت دیوان نخواهند بود (بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعوای)

۴. همانطوری که سابقاً اشاره شد، دیوان در پرونده تفسیری الف ۲ تصمیم گرفت که تنها اشخاص حقیقی و حقوقی حق اقامه دعوی علیه دولت مقابل دارند، و دولت‌ها نمی‌توانند علیه اتباع دولت دیگر طرح دعوی نمایند و فقط قادرند ادعای متقابل به طرفیت خواهانهای که علیه دولت دعوی مطرح کرده‌اند، اقامه نمایند.

چهارم - ماهیت حقوقی دیوان داوری

در مورد ماهیت حقوقی دیوان داوری، بین حقوقدانان حقوق خصوصی و حقوق عمومی اختلاف نظر وجود دارد. بعضی، همچون استاد فیلیپ فوشار^۲ دیوان را مرجعی دارای ویژگی حقوق خصوصی و برخی مانند استاد فقید میشل ویرالی^۳ آن را یک مرجع داوری مبتنی بر حقوق بین‌الملل عمومی می‌شمارند.^۴

۱- رک: «پرونده گروگان‌های امریکائی بسته شد»، در روزنامه مردم سالاری، ۱۱ اردیبهشت/۱۳۸۱

2- Philippe Fouchard

3- Michel Virally

۴- برای مطالعه نظرات فوشار و ویرالی و بحث‌های مربوطه رک:

Cahiers du CEDIN, No1. Le Tribunal des différends Irano- américains, Journée d'Actualité Internationale, 19 Avril 1984, PP.27-51

به اعتقاد ما، بدلائیل زیر می‌توان گفت که دیوان داوری مرجعی بین‌المللی است؛
اولاً؛ مبنای تشکیل دیوان اسنادی است که تحت عنوان بیانیه‌های الجزایر
معاهده بین‌المللی محسوب شده و امضاء کنندگان را در چهارچوب مسؤولیت بین‌المللی
دولت‌ها، متعهد می‌سازند.

ثانیاً؛ قواعد داوری که در دیوان لازم‌الرعایه هستند همان مقررات داخلی لازم
الاتباع در کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (انسیترال)^۱ می‌باشند
که مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب کرده است.

ثالثاً؛ ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی که حقوق قابل اعمال را معین ساخته بیش
از هر چیز ویژگی بین‌المللی دیوان داوری دعاوی ایران - آمریکا را نشان می‌دهد. طبق
این ماده:

«دیوان داوری حکم خود را در هر قضیه با رعایت کامل قانون صادر خواهد کرد
و در این راستا، آن دسته از قواعد انتخاب قانون حاکم و اصول حقوق بازرگانی و
بین‌المللی را که، با در نظر گرفتن عرف تجاری ذریبط و نیز مفاد قرارداد و تفسیر
اوضاع و احوال ناظر بر مورد تشخیص دهد، اعمال خواهد کرد».^۲

لازم به یادآوری است که در چهارچوب مضامین ماده مزبور، رعایت قوانین داخلی
کشور مقرر که در مانحن فیه هلند می‌باشد به هیچ‌وجه نمی‌گنجد، بلکه مواجهه با
مرجعی هستیم که اصول حقوق بازرگانی و بین‌المللی، عرف‌های تجاری و قواعد تغییر
اوضاع و احوال را در قراردادهای بین‌المللی اعمال می‌کند.^۳ رویه قضایی چندین ساله
دیوان به روشنی ماهیت بین‌المللی آن را نشان می‌دهد.

1- UNCITRAL

۲- نقل از ترجمه فارسی در مقاله: دکتر گودرز افتخار جهرمی، دیوان داوری و عادی ایران - ایالات متحده و عملکرد آن
در قلمرو حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی، شماره شانزدهم و هفدهم، ۷۲ - ۱۳۷۱، صفحه ۲۵.
۳- برای آگاهی بیشتر رک:

۱- همان منبع، دکتر گودرز افتخار جهرمی، صفحات ۴۵ - ۲۲

۲- دکتر محسن محبی، بیانیه‌های الجزایر - دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده، خط سوم، تهران،

۱۳۷۸، صفحات ۹۷ - ۲۷

همچنین رک:

M-Mohebi. *The Internationazl Law Character of the Iran-US Claims Tribunal*, *Kluwer Law International*, 1999, P. 417.

ج) کارنامه قضایی و رویه دیوان داوری

در مواجهه با عملکرد بیست و یکساله دیوان داوری و ملاحظه رویه آن می‌توان تصمیمات و احکام دیوان را به دو دسته بزرگ زیر تقسیم کرد:
تصمیمات و احکام ترافی، تصمیمات و احکام توافقی

۱. تصمیمات و احکام ترافی

طبق جدیدترین آمار منتشره دیوان از مجموع تعداد ۹۵۸ رای صادره دیوان در پرونده‌های بزرگ تعداد ۳۴۳ رای بر مبنای رسیدگی ترافی مختومه شده‌اند. مبنای غالب دعاوی صادره بوده که در چهارچوب انواع دعاوی از قبیل دعاوی مبتنی بر اخراج، دعاوی نفتی، دعاوی بانکی و دعاوی مربوط به خواهانهای دو تابعیتی نزد دیوان اقامه شده‌اند.

رویه دیوان در مساله مصادره عمدتاً بر پایه این نظریه شکل گرفته که «سلب مالکیت از اموال خارجیان حق دولتهاست و از نظر حقوق بین‌الملل فی نفسه عملی غیر مشروع و غیر قانونی بشمار نمی‌رود (. . .) غرامت قابل مطالبه در سلب مشروع و غیر مشروع مالکیت متفاوت است. خسارت تبعی بطور مطلق و عدم النفع برای دوره بعد از صدور رای قابل مطالبه نیست»^۱.

بطور کلی، در مورد تعیین غرامت، رویه دیوان انتظارات مشروع خواهانهای صاحب حق قراردادی را قبول نموده و در غالب موارد پایه آنرا تقویم «غرامت عادلانه معادل ارزش کامل مال» شمرده است. از جمله آراء مهم که در آنها اصول حقوق بین‌الملل درباره ملی کردن مورد استدلال قرار گرفته احکام صادره شعبه سوم دیوان به ریاست میشل ویرالی، استاد فقید فرانسوی است. به اعتقاد ویرالی:

«رویدادهای انقلابی را که سرانجام به استقرار دولت اسلامی منتهی گردید نمی‌توان همانند یک تغییر سیاسی در راس دستگاه دولتی شمرد. این رویدادها تمام الگوی روابط اجتماعی در کشور را بکلی دگرگون ساخت. در این جریان، حقوق مردم نسبت به منابع طبیعی کشور و در نتیجه نظام حقوق صنعت نفت یکی از مسایل مهم

۱- رک: همان مأخذ، دکتر گودرز افتخار جهرمی، صفحات ۷۹ - ۷۸

انقلاب گردید. خواهانهای امریکائی به نحو واقع بینانه‌ای تشخیص دادند که برای آنها دیگر خرید نفت ایران در چهارچوب قرارداد عملی نیست.^۱ قاضی مزبور در دعاوی مربوط به اخراج نیز دیدگاهی موافق موضعگیری حقوقی ایران را اعمال کرده بود و این امر طی حکمی که ویرالی در رد دعاوی «آلفرد شورت»^۲ صادر کرد، نمود یافته است: «خروج اتباع یک کشور خارجی در مواقع ناآرامی و انقلاب در یک کشور نمی‌تواند برای دولت انقلابی مسؤولیت آفرین باشد.»^۲ همین رای در شعبه سوم موجب گردید اغلب خواهانهای مدعی اخراج دعاوی خود را از دیوان مسترد دارند.

در خصوص دعاوی نفتی که به لحاظ اقلام معتنا به خواسته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند همانطوریکه در بحث از مبانی نظری مصادره در رویه دیوان و همچنین یادآوری حکم میشل ویرالی در دعاوی کنسرسیوم اشاره شد، با تلاش‌های حقوقی دولت ایران عمدتاً احکام مناسب و متناسب با شرایط صادر گردیده است.

در آنچه به دعاوی تابعیت مضاعف مربوط می‌گردد، بدنبال تصمیم الف ۱۸ هیئت عمومی شعب سه‌گانه دیوان موظف بوده‌اند در هر پرونده «عوامل ذریبط» از قبیل محل اقامت معمولی، مرکز علائق و منافع، پیوندهای خانوادگی و مشارکت در زندگی عمومی را اعمال کنند. نتیجه اینکه، تاکنون که تقریباً کلیه دعاوی دو تابعیتی مختومه شده، عملکرد دیوان نشانگر آن است که در اغلب پرونده‌ها، رأی مبتنی بر عدم صلاحیت صادر گردیده است.

از دیگر احکام صادره دیوان، آراء مربوط به دعاوی بانکی هستند که طی آنها دیوان استدلال خواندگان ایرانی را مبنی برحق دولت در تصویب مقررات محدودیت ارزی و صدور بخش نامه‌های موافق اساسنامه صندوق بین‌المللی پول پذیرفته است. لیکن دعاوی مربوط به وام‌های سندیکائی بانک‌های ایرانی غالباً به حل و فصل توافقی انجامیده‌اند.

۱ - از رای جزئی شماره ۳۱۱ شعبه سوم دیوان مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷ نقل شده در مقاله: دکتر محمدمعلی موحد، دعاوی کنسرسیوم در برابر دیوان داوری ایران - ایالات متحده (ذکر خیری از ویرالی) - مجله کانون وکلا - شماره ۴ دوره جدید، پائیز - زمستان ۱۳۶۹ (۱۵۳ - ۱۵۲)، صفحات ۸۲ - ۶۱

2-Alfred SHORT

۳ - ری گزاره فارسی آراء دیوان، جلد ۱۶ - صفحات ۸۶ - ۷۶

۲. تصمیمات و احکام توافقی

منظور از تصمیمات و احکام توافقی آرای هیستند که به تعبیر دیوان «احکام مبتنی بر شرایط مرضی‌الطرفین» نامیده شده‌اند. اینگونه احکام به تعداد فراوان صادر گردیده غالباً به عنوان «آراء سازشی» مورد یادآوری قرار می‌گیرند. واقعیت این است که از همان آغاز کار دیوان، و همزمان با رسیدگی توافقی پرونده‌ها غالباً مذاکراتی بین نمایندگان دو دولت و همچنین وکلا و نمایندگان حقوقی خواهانها و خواندگان انجام می‌شده، توافق‌هائی صورت می‌گرفته و بر مبنای بند ۱ ماده ۳۴ قواعد داوری دیوان جریان دادرسی قطع می‌شده و دیوان با صدور «رای مبتنی بر شرایط مرضی‌الطرفین» دعوای مربوطه را مختومه کرده است. بند ۱ ماده ۳۴ قواعد دیوان می‌گوید:

«اگر طرف‌های داوری پیش از صدور حکم در مورد حل اختلافات خود به توافق برسند دیوان داوری یا دستوری مبنی بر ختم جریان داوری صادر خواهد کرد یا به تقاضای هر دو طرف و تصویب دیوان مصالحه را بصورت حکمی براساس توافق طرفین به ثبت خواهد رساند. دیوان داوری ملزم به ذکر دلایل صدور چنین حکمی نیست.»

مهمترین مثال در اینگونه آراء رای است که براساس مذاکرات نمایندگان دولتین ایران و ایالات متحده در تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۹۰ (اول تیرماه ۱۳۶۹) در خصوص ۲۷۸۲ «دعوای کوچک با خواسته کمتر از ۲۵۰۰۰۰ دلار» صادر گردید و دعوای مزبور که هزینه و زمان فراوانی را در دیوان به خود مصروف می‌داشت تماماً مختومه اعلام شد. با این توضیح که خواسته اسمی باقیمانده دعوای کوچک (یعنی تعداد ۲۷۸۲ فقره از کل دعوای مطروحه بالغ بر ۳۹۵۲ دعوی) حدوداً ۴۰۰ میلیون دلار می‌شد. این دعوای به طور مقطوع و یک جا در ازای ۴۵ میلیون دلار تسویه و مختومه شد. دولت امریکا در مقابل پذیرفت که خود رأساً با رعایت موازین دیوان داوری این دعوای را رسیدگی و حل و فصل کند و متقابلاً دولت ایران را برای همیشه بری الذمه نماید. در ازای این پرداخت اموال و دارائیهای مورد ادعای خواهانهای این پرونده‌ها نیز به مالکیت ایران درآمد. البته لازم به تذکر است که به اعتقاد ما اصطلاح «آراء سازشی» که گاه بعضی

۱- رک: محسن محبی، بیانیه‌های الجزایر، یک دریچه، چند نگاه، در مجله حقوقی، شماره بیست و سوم، پاییز - زمستان

حقوقدانان در مطالعه اینگونه احکام مرضی الطرفین در مراجع بین‌المللی بکار می‌برند، قدری مسامحه آمیز و دور از دقت نظر حقوقی است. زیرا چنین «توافق» هائی خود یکی از روشهای حقوقی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات شمرده می‌شود، در حالیکه واژه «سازش» بدلیل بارسیاسی‌اش سبب دور شدن از مفهوم و کاربرد دقیق حقوقی چنین آرائی می‌گردد. در این مورد کاربرد اصطلاح «مصالحه» قابل رجحان است. ممکن است کاربرد اصطلاح «مصالحه» این شبهه را ایجاد کند که طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی امضای آنها مستلزم «تصویب هیأت وزیران و مجلس» می‌باشد. بنظر می‌رسد که با توجه به تصویب ماده واحده سابق الذکر در مجلس شورای اسلامی و توجه به اینکه مصالحه‌ها نوعاً در جهت حفظ و تضمین حقوق دولت جمهوری اسلامی ایران و طرف‌های ایرانی دعاوی در دیوان محقق شده و جزئی از آئین رسیدگی دیوانی است که بموجب معاهده منعقدہ بین دو کشور (بیانیه‌ها) تشکیل شده است، شبهه مزبور موضوعیت خود را از دست می‌دهد.^۱

استرداد دعوی نیز در قواعد داوری دیوان پذیرفته شده و به موجب بند ۲ ماده ۳۴ قواعد دیوان سبب ختم رسیدگی به تعدادی از پرونده گردیده است. حسب ترتیبات این بند:

«هرگاه پیش از صدور حکم، ادامه داوری بردلیلی جز آنچه که در بند ۱ فوق آمده غیرلازم یا غیرممکن شود، دیوان داوری طرف‌ها را از قصد خود مبنی بر صدور حکم ختم داوری مطلع خواهد ساخت. دیوان داوری اختیار صدور چنین حکمی را دارد مگر آنکه یکی از طرف‌ها به دلایل موجه با صدور چنین حکمی مخالفت کند».

۱- در خصوص تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی و مفاهیم مصالحه رک:

- ۱- دکتر محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم - نشر دادگستر، تهران، چاپ چهارم تابستان ۷۹، صفحات ۲۳۲ - ۲۳۳
- ۲- مجموعه نظریات شورای نگهبان اداره کل تفتیح و تدوین قوانین و مقررات کشور، بهار ۱۳۶۸، جلد دوم صفحه ۸۷۹ (نظریه ۵۹۳۹ - ۱۳۶۵/۲/۱۰)
- ۳- دکتر حسین مهرپور، مجموعه نظریات شورای نگهبان، دوره اول، ۳ جلد، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۱.
- ۴- مصطفی شهابی، داوری و قانون اساسی، انتشارات کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی، صفحه ۲۲ - ۱۹

طبق جدیدترین اعلامیه دیوان به شماره ۲/۴ مورخه ۲۲ مهر ۱۳۸۱ (۱۴ اکتبر ۲۰۰۲) آمار رسیدگی به پرونده‌ها تا پایان روز ۲۲ مهرماه ۱۳۸۱ (۱۴ اکتبر ۲۰۰۲) به شرح زیر می‌باشد:

اول - احکام و سایر تصمیمات به ثبت رسیده:

الف) احکام:

۳۱۳	احکام
۳۰	احکام جزئی
۲۳۸	احکام مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین
۱۸	احکام جزئی بر شرایط مرضی الطرفین

۵۹۹

ب) قرارهای اعدادی و موقت:

۵۳	قرارهای اعدادی
۲۷	قرارهای موقت
۲	قرارهای اعدادی و موقت

۸۲

ج) پرونده‌های مختومه (با صدور دستور یا تصمیم):

۱۶	پرونده‌های «الف»
۱۸	پرونده‌های «ب»
۵۱۵	پرونده‌های «بزرگ»
۳۳۰	پرونده‌های کمتر از ۲۵۰۰۰۰ دلار

۸۷۹

د) تصمیمات: ۱۳۰ تصمیم در ۱۳۷ پرونده به ثبت رسیده است.

دوم - تعداد کل پرونده‌های فیصله یافته با صدور حکم، تصمیم یا دستور:

۱۹	پرونده‌ها «الف»
----	-----------------

۷۲

پرونده‌های «ب»

۹۵۸

پرونده‌های بزرگ

۲۸۸۴

ادعاهای کمتر از ۲۵۰۰۰۰ دلار

۳۹۳۳

نتیجه‌گیری

دیوان داوری با توجه به حجم دعاوی و خواسته‌های معتابه آن مهمترین مرجع داوری در دو دهه پایانی قرن بیستم تلقی شده وظیفه خود را در خصوص حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات مالی و حقوقی ایران و امریکا بخوبی به انجام رسانیده است. بموجب جدیدترین آمار منتشره فوق‌الذکر بالغ بر دو میلیارد و یکصد و پنجاه میلیون دلار محکوم به، به خواهانهای امریکائی تأدیه شده و مبلغی قریب همین مبلغ نیز به دولت ایران یا خواهانهای ایرانی پرداخت گردیده است.

اگر این ساز و کار حقوقی با میانجی‌گری دولت الجزایر برقرار نمی‌شد، معلوم نبود دولت جمهوری اسلامی ایران بتواند در آغاز دوران استقرار خود اموال و دارائیهایش را که در بانکهای امریکایی مسدود شده و به ادعای جبران خسارت، دعاوی بیشماری علیه آنها در محاکم ایالات متحده اقامه شده بود، استیفاء نماید.

دیوان بعنوان یک مرجع داوری و صحنه برخورد عقاید و آراء حقوقدانان بین‌المللی نه تنها مکانی است که در آنجا دو دولت متعاهد و امضاء کننده بیانیه‌های الجزایر اختلافات مالی و حقوقی خود را در چهارچوبی کمابیش منطقی و عادلانه حل و فصل می‌نمایند و از این رهگذر امکان هرگونه و خیم‌تر شدن «روابط سیاسی» و مآلاً «مخاصات مسلحانه» را متفی می‌سازند، بلکه، آزمایشگاهی حقوقی است که همه نوع حقوقدانان بین‌المللی در رشته‌های گوناگون خصوصی و عمومی از کشورها با نظام‌های مختلف و با گرایش‌های متفاوت حقوقی را جذب کرده و برای آنان زمینه‌های کاربردی در عرصه فکری و علمی حقوق بین‌الملل را فراهم گردانیده است. طی رسیدگیهای دیوان در سالیان گذشته و در چهارچوب مبارزه حقوقی دو دولت متنازع، حقوقدانان مشهوری از جمله فرانسواریگو و جوورهنون (بلژیک)، دریک باوت و یان براونلی (انگلستان)، بریزیت استرن، پل لاگارد، آن پله و شارل ژورینسن (فرانسه)،

دکتر علی آزمایش، دکتر ولی... انصاری، دکتر فخاری، دکتر گرجی، دکتر مصطفی محقق داماد، دکتر موحد، دکتر مهرپور و دکتر نوربها (ایران)، چارلز لیتون، ریچارد لیلیک، برونو ریستائو و آندرا اف لوون فلد (ایالات متحده)، رحمت‌الله خان (هند)، محمد بجاوی (الجزایر)، احمد قشیری (مصر)، آنتونیو کاسسه (ایتالیا)، هندیوس، فان دیک و فاندرو مویزن برخ (هلند)، ولفانگ پیتر و ژان اف لالیو (سوئیس)، مالانچک و دولزر (آلمان) بعنوان مشاوران حقوقی ایران یا ایالات متحده کتباً یا شفاهاً همکاری کرده به پیشبرد کار دیوان کمک نموده‌اند.

در این میان بیش از همه طرز تفکرهای حقوقی و اندیشه‌های حقوقدانان برآمده از یک کشور بزرگ غربی دنیای صنعتی (یعنی ایالات متحده امریکا)، و گسیل شده از یک کشور کهنسال شرقی جهان سوم (یعنی ایران) به مبارزه حقوقی و آزمودن کاربردهای قضایی کشانیده شده‌اند. مبارزه حقوقی و آزمایش کاربردهای قضایی دولتین در جریان رسیدگی‌ها هم در زمینه‌های ماهوی و هم در قالب‌های شکلی چهره می‌نموده است.

بلحاظ ماهوی، در چهارچوب اعمال ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعاوی و کاربرد «قواعد انتخاب قانون» بعنوان نمونه می‌بینیم که در دعوای الف ۲، داوران ایرانی ضمن نظر مخالف خود به حقوق داخلی ایران استناد می‌کنند و می‌گویند:

«هم از جهت دکترین‌های حقوقی و هم از جهت رویه قضایی این یک قاعده مسلم تفسیر است که موافقتنامه‌ها باید بر مبنای قصد و منظور طرفین تفسیر شوند. حقوق ایران همانند حقوق اسلامی این قاعده را تحت عنوان: «المقرر تابعه للمقصود» و: «المبرة فی التصرفات للمقاصد و المعانی لا للالفاظ و السبانی»، منعکس ساخته است. ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی فرانسه همین قاعده را متذکر شده است که در قراردادها باید قصد مشترک متعاقدين جستجو شود نه اینکه در حد الفاظ و قالب‌های بکاربرده شده متوقف کرد. ماده ۱۱۳۵ همین قانون رعایت و انصاف را در جائیکه کشف قصد واقعی طرفین غیر ممکن باشد مقرر میدارد. بعبارت دیگر، ماده مزبور قانون و انصاف را مکمل مقصود طرفین قرار می‌دهد.»^۱

همچنین در دعاوی دامزاند مور، ریچارد ام ماسک داور امریکائی طی نظر مخالفش سوای استناد به حقوق بین‌الملل، حقوق‌های داخلی ایران و ایالات متحده را مورد مقایسه قرار داده و مؤید نظر خویش شمرده است. وی با توسل به مقررات تفسیری در حقوق امریکا و ارجاع به مواد ۳۰۱ تا ۳۰۶ و ماده ۳۳۶ قانون مدنی ایران اظهار می‌دارد:

«مسئله صلاحیت در پرونده حاضر بدین نحو مطرح می‌شود که آیا ادعای اجرت المثل با ادعای صورت‌حساب ابرازی از قرار داد حاوی قید انتخاب دادگاه در ایران ناشی شده یا نه؟ چنانچه این ادعاها از قرارداد مزبور ناشی نشده باشند، در اینصورت دیوان صلاحیت رسیدگی به آنها را دارد.

ادعاهای مبتنی بر نظریه‌های شبه قراردادی، از قبیل اجرت المثل، استرداد و دارا شدن بلاجهت، دیر زمانی است که در حقوق بین‌الملل و همچنین در قوانین ایران و ایالات متحده پذیرفته شده است.»^۱

در آنچه به جنبه‌های شکلی رسیدگی مربوط می‌شود، مبارزه دو نظام حقوقی (نوشته و عرفی) مخصوصاً در چگونگی استماع شهادت نمود پیدا می‌کند. در حالیکه در طرز تفکر حقوقی ایران «شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عینی یا منفعت یا حق رد دعوی داشته باشد (...) پذیرفته نمی‌شود» (تبصره ۲ ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی)، می‌بینیم که به پیروی از روش‌های دادرسی انعطاف‌پذیر حقوق انگلوساکسون، خواهانهای امریکائی به دادخواست خود همواره به قلم خود «شهادت نامه»^۲ پیوست می‌کنند و همچنین از شهادت نزدیکان، خویشان و دوستان خود در اثبات ادعایشان بهره می‌گیرند، و دیوان نیز آئین عرفی بکار گرفته شده خواهان‌های امریکائی را پذیرفته است.^۲

۱ - رک: گزاره فارسی جلد ۴، ص ۲۵۲.

2- Affidavit

۳ - استاد جعفر نیای که از ابتدای کار دیوان بمدت پانزده سال بعنوان مشاور حقوقی دولت در جلسات دیوان شرکت کرده است به نگارنده اظهار می‌داشت: وقتی باکمال تمجب مواجه با نحوه استفاده امریکائیه از آئین استماع شهادت شدیم برای اعتراض با آقای پیر بله رئیس شنبه دوم دیوان که سابقاً رئیس دیوان کشور فرانسه بوده ملاقات کردیم وی در پاسخ گفت: «بمنوان یک حقوقدان حقوق نوشته من با نظر شما موافقم و سخن شما را می‌فهمم. اما ظاهراً این روش معمول دیوان خواهد بود. شما هم اینکار را بکنید!».

معهد، از فرآیند این مواجهه حقوقی و تعارض دو سیستم قضایی یکی مبتنی بر حقوق عرفی و دیگری قوام یافته بر پایه‌های حقوق نوشته و حقوق اسلامی، تفهیم و تفهم فرهنگی و سیاسی دو ملت درگیر گسترده تر و عمیق تر گردیده است. همانگونه که استاد شهیر حقوق بین‌الملل، میشل ویرالی قاضی فقید دیوان بحق تشریح و تبیین کرده است، دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده «مظهر برخورد دو تمدن» (تمدن ایرانی و تمدن امریکائی) در عرصه‌ای حقوقی است.^۱

کتابنامه

الف - اسناد، کتابها و مقالات به زبان فارسی

- ۱- آقاسینی، محسن، بررسی مواضع و نقطه نظرهای جمهوری اسلامی ایران و دولت امریکا در پرونده الف / ۱۸، مجله حقوقی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۶۴.
- ۲- ابتکار، معصومه، تسخیر، مترجم و ویراستار ابتهاج شیرازی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳- اسکینی، ربیعا، تعارض قوانین در داورى تجارى بین‌المللى، مجله حقوقی، شماره یازدهم، پائیز - زمستان ۱۳۶۸.
- ۴- اسماعیلی، محسن، قوه قاهره، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران، تصمیمات و آرای دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده، سروش، تهران، ۱۳۸۱.
- ۵- اسناد بیانیه‌های الجزایر، مجله حقوقی، شماره اول - زمستان ۱۳۶۳؛ شماره دوم - بهار ۱۳۶۴؛ شماره سوم، تابستان - پائیز ۱۳۶۴.
- ۶- افتخار جهرمی، گودرز، دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحده و عملکرد آن در قلمرو حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی، شماره شانزدهم و هفدهم، ۷۲ - ۱۳۷۱.
- ۷- افجه‌ای، مهرزاد، شرایط مسئولیت بین‌المللی دولت در برابر دارندگان تابعیت مضاعف، مجله حقوقی شماره بیستم، ۱۳۷۵.
- ۸- الماسی، نجادعلی، تعیین تابعیت و اقامتگاه از دیدگاه تعارض قوانین، مجله حقوقی، شماره دوازدهم، بهار - تابستان ۱۳۶۹.

1- M. VIRALLY, *Le rôle du droit dans un conflit de civilisations: Le cas IRAN-U.S.A.*, in *Revue des Sciences Morales et Politiques*, 143 e Année, Gauthier Villars, 1988. PP. 36-52.

- ۹- بخش تحقیقات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (لاسه)،
مسئولیت بین‌المللی دولت در نتیجه اعمال افراد، مجله حقوقی، شماره سیزدهم، پائیز -
زمستان ۱۳۶۹.
- ۱۰- بنی‌صدر، اسماعیل، شرط داوری به وسیله ارجاع، مجله حقوقی، شماره شانزدهم و
هفدهم، ۷۲ - ۱۳۷۱.
- ۱۱- پیران، حسین، مصادره غیر مستقیم در حقوق بین‌الملل و رویه دیوان داوری
دعاوی ایران - ایالات متحده، مجله حقوقی، شماره هجدهم و نوزدهم، ۷۴ - ۱۳۷۳.
- ۱۲- ثقفی، مراد، ایران و امریکا؛ سیاستی که تبیین شده، فصلنامه گفتگو، شماره ۲۷،
صفحات ۱۱۵ - ۸۷.
- ۱۳- حجازی، احمد معیارهای سنجش ارزش اموال مصادره شده بیگانگان در آراء
دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده، مجله حقوقی، شماره چهاردهم و پانزدهم،
بهار - زمستان ۱۳۷۰.
- ۱۴- حکمت، محمدعلی، تأثیر تغییر اوضاع و احوال در اعتبار معاهدات و قراردادهای
بین‌المللی، مجله حقوقی، شماره سوم، تابستان - پائیز ۱۳۶۴، شماره چهارم، زمستان
۱۳۶۴.
- ۱۵- حلمی، نصرت‌الله، حقوق بین‌الملل عرفی در مورد تابعیت مضاعف (ترجمه)، مجله
حقوقی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۶۴.
- ۱۶- حلمی، نصرت‌الله، مسئولیت ایران در قبال قراردادهای قبل از انقلاب (ترجمه)،
مجله حقوقی، شماره اول، زمستان ۱۳۶۳.
- ۱۷- خطاطان، سوسن، اجرای احکام داوری بین‌المللی (ترجمه)، شماره شانزدهم و
هفدهم، ۷۲ - ۱۳۷۱.
- ۱۸- روزنامه مردم سالاری، ۱/ اردیبهشت/ ۱۳۸۱.
- ۱۹- روزنامه کیهان، شماره ۱۲۱۴۱، ۵/ اردیبهشت/ ۱۳۶۳.
- ۲۰- سالیانجر، پیر، گروگانگیری در ایران و مذاکرات محرمانه تهران، موسسه انتشارات
نوبین، تهران، ۱۳۶۲.
- ۲۱- ستوده، امیررضا، کاویانی، حمید، بحران ۴۴۴ روزه در تهران، موسسه نشر و
تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۷۹.

- ۲۲- سیفی، سید جمال، قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنسیترال، مجله حقوقی، شماره بیست و سوم، پائیز - زمستان ۱۳۷۷.
- ۲۳- شیرازی، علی اکبر، نقد اجمالی رأی شماره ۲ - ۲۱۹ - ۳۵ دیوان داوری دعاوی ایران و امریکا - تئوری دارا شدن غیر عادلانه و صلاحیت، مجله حقوق، شماره دوم، بهار ۱۳۶۴.
- ۲۴- شیرازی، علی اکبر، مروری بر تئوری دارا شدن غیر عادلانه در حقوق ایران، امریکا و بین‌الملل، مجله حقوقی، شماره پنجم، بهار ۱۳۶۵.
- ۲۵- صفائی، سید حسین، استناد به استفاده بلاجهت با وجود رابطه قراردادی، مجله حقوقی، شماره دوم، بهار ۱۳۶۴.
- ۲۶- صفائی، سید حسین، مفهوم تقصیر سنگین در ارتباط با شرط عدم مسئولیت، مجله حقوقی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۶۴.
- ۲۷- صفائی، سید حسین، محدودیت‌های مرتبط به حقوق‌های بیگانگان در قوانین ایران، مجله حقوقی، شماره یازدهم، پائیز - زمستان ۱۳۶۸.
- ۲۸- صمصامی مهاجر، محمود استرداد دعوی، مجله حقوقی، شماره اول، زمستان ۱۳۶۳.
- ۲۹- صمصامی مهاجر، محمود نقدی بر یکی از آرای دیوان داوری ایران - ایالات متحده امریکا، مجله حقوقی، شماره سوم، تابستان - پائیز ۱۳۶۴.
- ۳۰- غلامی، حسن (پرهام)، قاعده استمرار تابعیت در دعاوی بین‌المللی، مجله حقوقی، شماره دوم، بهار ۱۳۶۴.
- ۳۱- فیوضی، رضا، دیون منفور، مجله حقوقی، شماره دوم، بهار ۱۳۶۴.
- ۳۲- فیوضی، رضا، حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- ۳۳- قاسمی، علی، قراردادهای دولت با بیگانگان (ترجمه)، مجله حقوقی، شماره شانزدهم و هفدهم، ۷۲ - ۱۳۷۱.
- ۳۴- قطینه، احمد، روش علمی دیوان دعاوی ایران - ایالات متحده امریکا در پذیرفتن ادله از طرفین و از کارشناسان (ترجمه)، مجله حقوقی، شماره دوازدهم، بهار - تابستان ۱۳۶۹.

- ۳۵- گزاره فارسی تصمیمات و آراء دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده، (پلی کیپی)، جلد ۳۳ (باهتمام بخش تحقیقات دفتر خدمات حقوق بین‌المللی - لاهه).
- ۳۶- لطفیان، سعیده، صادقی، احمد، تاریخ مستند روابط دو جانبه ایران و ایالات متحده امریکا (ترجمه)، نشر قومس، ۱۳۷۸.
- ۳۷- مذاکرات مجلس شورای اسلامی، انتشارات روزنامه رسمی، آبانماه ۱۳۵۹.
- ۳۸- محبی، محسن، قانون حاکم بر اجرای احکام در داوریهای موضوع کنوانسیون حل و فصل اختلافات (ترجمه)، مجله حقوقی، شماره دهم، بهار - تابستان ۱۳۶۸.
- ۳۹- محبی، محسن، نقش اعتبار نامه‌های تضمینی در تجارت بین‌المللی (ترجمه)، مجله حقوقی، شماره اول، زمستان ۱۳۶۳.
- ۴۰- محبی، محسن، تقلب در معاهدات موضوع اعتبارات اسنادی و ضمانت نامه‌های بین‌المللی (ترجمه)، مجله حقوقی، شماره دوم، بهار ۱۳۶۴.
- ۴۱- محبی، محسن، ضمانت نامه‌های بانکی در رویه دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده، مجله حقوقی، شماره بیستم، ۱۳۷۵.
- ۴۲- محبی، محسن، بیانیه‌های الجزایر؛ یک دریچه، چند نگاه، مجله حقوقی، شماره بیست و سوم، پائیز - زمستان ۱۳۷۷.
- ۴۳- محبی، محسن، دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده: حقوق خصوصی اشخاص و مسئولیت دولت (ترجمه)، مجله حقوقی، شماره هفتم، زمستان ۱۳۵۶.
- ۴۴- محبی، محسن، ماهیت حقوق دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده از دیدگاه حقوق بین‌المللی، مجله حقوقی، شماره هجدهم و نوزدهم، ۷۴ - ۱۳۷۳.
- ۴۵- محبی، محسن، بیانیه‌های الجزایر - دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده، خط سوم، تهران، ۱۳۷۸.
- ۴۶- ملک نوری، حمیدرضا نگاهی به برخی جنبه‌های حقوقی روابط ایران و امریکا، فصلنامه گفتگو، بهار ۷۹ - شماره ۲۷، صفحات ۱۲۷ - ۱۱۲.
- ۴۷- منصوریان، ناصرعلی، صلاحیت ترافی دیوان بین‌المللی دادگستری و موقعیت حقوقی ایران، بخش تحقیقات دفتر خدمات حقوق بین‌الملل (لاسه)، ۱۳۶۶.
- ۴۸- منصوریان، ناصرعلی، انصراف از استرداد دعوی در دعاوی بین‌المللی، مجله حقوقی، شماره چهاردهم و پانزدهم، بهار - تابستان ۱۳۷۰.

- ۴۹- منصوریان، ناصرعلی، اندیشه‌هایی در خصوص عهدنامه حل و فصل اختلافات (ترجمه)، مجله حقوقی، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۶۹.
- ۵۰- منصوریان، ناصرعلی، یاد استاد میشل ویرالی حقوقدان بین‌المللی و فیلسوف حقوق، مجله حقوقی، شماره یازدهم، پائیز - زمستان ۱۳۶۸.
- ۵۱- میرفخرائی، محمدجواد، جرح و سلب صلاحیت از داوران در داوری تجاری بین‌المللی (ترجمه)، مجله حقوقی، شماره دوازدهم، بهار - تابستان ۱۳۶۹.
- ۵۲- موحد، محمدعلی، دعاوی کنسرسیوم در برابر دیوان داوری ایران، ایالات متحده (ذکر خیری از ویرالی)، مجله کانسون وکلا، شماره ۴ - دوره دهم، پائیز - زمستان ۱۳۶۹ (۱۵۳ - ۱۵۱)، صفحات ۶۱-۸۲.
- ۵۳- مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، دوره اول، جلد، سازمان انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۱.
- ۵۴- نصیری، مرتضی، نظریه اصیل واقعی و آتراگو، مجله حقوقی شماره دوم، بهار ۱۳۶۴.
- ۵۵- نصیری، مرتضی، قراردادهای تهاتری و نحوه تنظیم مجله حقوقی، شماره دهم، بهار - تابستان ۱۳۶۸.
- ۵۶- نیکی، جعفر، ممنوعیت استملاک اموال غیر منقول نوکانونگان در حقوق ایران، مجله حقوقی، شماره بیست و دوم، بهار - تابستان ۱۳۷۷.

ب - اسناد، کتابها و مقالات به زبانهای خارجی

1. G.H. Akhavan-Soltani, *The Jurisprudence of the Iran-United States Claims Tribunal*, Clarendon Press, 1996.
2. B. Audit, *Les Evénements d'Alger du 16 Janvier 1981*, in *Clunet*, no 108-109, 713-787.
3. CH. Brown, *The Iran-United States Claims Tribunal*, *Rec. des Cours*, 1984.
4. Cedin (c), *No 1, Le Tribunal des différends Irano-américains*, *Revue d'Actualité Internationale*, 19 Avril 1984.
5. ICJ, *Repts* & 1989.
6. *IRAN-United States Claims Tribunal Reports*, 33 Vol, 1981-2001, Grotius'ons.